

بررسی وارونگی از منظر کاربرد شناسی و مقایسه آن با مبتداسازی در متون و ادبیات کردی

آرش شهبابی^۱

مجتبی منشی‌زاده^۲

ارسلان گلفام^۳

چکیده

وجود یا عدم وجود وارونگی و مبتداسازی در کردی و چگونگی تبیین رابطه بین این فرآیندها براساس چگونگی آرایش جمله هدف اصلی این مقاله است. در این راستا نگارنده بر اساس شِمّ زبانی خود داده‌ها را بررسی و در مورد پیشایندشدگی و پسایندشدگی آن‌ها تصمیم‌گیری نموده است. برای طبقه‌بندی داده‌ها اگر عنصر جابجاشده به پیش از جایگاه اولیه حرکت کند، آن را پیشایندسازی تلقی کرده‌ایم و اگر این عنصر به پس از جایگاه اولیه حرکت کند، پسایند سازی نام گذاری شده است، سپس از نظر ساخت اطلاع، داده‌ها بررسی شده‌اند. در این مقاله فرآیندهای وارونگی و مبتداسازی در بستر کلامی با نگاهی نقش‌گرایانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. همچنین در تبیین این حرکت‌ها می‌توان گفت که مبتداسازی فرایندی مشروط و مقید است و در مورد آن باید به وجود یک نوع قاعده‌مندی قایل شد، مبنی بر اینکه عنصری مبتدا می‌شود که به لحاظ اطلاعاتی برای شنونده - کهنه به شمار آید پس اگر عنصر پیشایند شده، شنونده - کهنه باشد م‌توان آن را مبتداسازی و اگر شنونده - نو باشد، در این صورت نمی‌توان آن را مبتداسازی تلقی کرد. اما در فرایند وارونگی عنصر وارونه شده می‌تواند دارای هر نوع محتوای اطلاعاتی اعم از کهنه و نو باشد ولی تمایل غالب در هردو به پیشایندسازی عنصری است که برای شنونده یا گفتمان کهنه باشد.

کلید واژه‌ها:

مبتداسازی، وارونگی، ساخت اطلاعی، پیشایندسازی، پسایندسازی

^۱ - گروه زبان شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران. (نویسندهٔ مسؤول)

^۲ - گروه زبان شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران - ایران.

^۳ - گروه زبان شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران - ایران.

۱- مقدمه

در مطالعات زبان‌شناسی، آرایش جمله را از دیدگاه‌های متفاوتی بررسی کرده‌اند. صورت‌گراها آن را پدیده‌ای صرفاً نحوی دانسته‌اند که عوامل تعیین‌کننده آن صوری و بسیار انتزاعی بوده و به طور مکانیکی عمل می‌کنند و حاصل عملکردشان آرایش بخصوصی از واژگان را می‌آفریند.

نقش گراها آن را تابع عوامل کاربردشناختی دانسته‌اند و معتقدند هر نوع ساختار و آرایش، نقش ارتباطی ویژه‌ای را داراست که در واقع به آن ساختار، صورت وجود می‌بخشد. فرایندهای مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از وارونگی و مبتداسازی که مبتداسازی را می‌توان چنین تعریف کرد: مبتداسازی به فرایندی گفته می‌شود که طی آن یک گروه اسمی به جایگاه آغازین جمله پیشایند می‌شود و وارونگی به فرایندی گفته می‌شود که فاعل و سازه‌ای دیگر در جمله جابجا شوند که در ادامه همراه با مثال این فرایندها بیشتر معرفی می‌گردند.

وجود یا عدم وجود وارونگی و مبتداسازی در کردی و تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین این دو فرآیند، چگونگی آرایش خطی جمله، چگونگی حرکت سازه‌ها و توصیف رفتار و ویژگی وارونگی و مبتداسازی در این زبان، فرضیه محوری این مقاله را در رویکردی نحوی کلامی رقم می‌زند. مبانی نظری این پژوهش عمدتاً برنگرش و چارچوب نقش‌گرایانی مانند گیون، پرینس و هلیدی متکی است.

کردی از لحاظ خانواده زبانی متعلق به شاخه هند و ایرانی از خانواده زبان‌های هند و اروپایی است، و از لحاظ چگونگی ترتیب قرارگرفتن سازه‌ها در جملات و یا به عبارتی دیگر نحوه قرارگرفتن و ترتیب متعارف کلمات مانند زبان فارسی از الگوی: فاعل - مفعول - فعل (SOV) پیروی می‌کند. با در نظر گرفتن الگوی فوق به عنوان آرایش بی‌نشان جمله در کردی، جمله‌هایی به عنوان داده یا نمونه، در پیکره زبانی ثبت شده‌اند که در آن‌ها عنصری از جایگاه بی‌نشان خود، به ابتدا یا انتهای جمله منتقل شده است. این شیوه، هم در مورد جمله‌های ساده و هم در جمله‌های مرکب به کار رفته است. نمونه‌ها برحسب فرایندهای مبتداسازی و وارونگی به دو گروه کلی تقسیم شده‌اند. اگرچه، بر اثر هر دو فرایند، آرایش بی‌نشان جمله دگرگون می‌شود

ولی دست کم به لحاظ ساختاری، تفاوت‌هایی میان این دو فرایند وجود دارد که این دو را از همدیگر متمایز می‌سازد. در ادامه به بررسی پیشینه تحقیق در فارسی و کردی و تحلیل داده‌ها و ارائه دست یافته‌های این پژوهش می‌پردازیم.

۲- پیشینه پژوهش

۲ ۴ - زبان‌شناسی نقش‌گرا و ساختار اطلاعاتی جمله: اطلاع نو و اطلاع کهنه

در نگرش هلیدی که تعدیل یافته نگرش مکتب پراگ است، جمله یک واحد اطلاعاتی است که به دو بخش اطلاع نو^۱ و اطلاع کهنه^۲ تقسیم می‌شود. اطلاع کهنه، اطلاعی آشنا برای شنونده و اطلاع نو، اطلاعی ناآشنا و غیر قابل پیش‌بینی برای اوست. (براون و یول ۱۹۸۳: ۱۵۴-۱۵۳)

در این نگرش، هر واحد اطلاعاتی، یا به بیان دیگر، ساختار اطلاعاتی جمله، از طریق آهنگ بازنموده می‌شود. هلیدی طبق این چارچوب معتقد است که هر واحد اطلاعاتی، با اطلاع کهنه آغاز و با اطلاع نو پایان می‌یابد. از همه مهم‌تر، در نگرش هلیدی ساختار اطلاعاتی جمله، دقیقاً بسته به نظر و ارزیابی گوینده از دانش شنونده رقم می‌خورد و هیچ ارتباطی به چگونگی ساختار گفتمان ندارد. (هلیدی، ۱۹۹۴: ۲۹۹)

در نقد این نگرش، گذشته از برخی نکات، به یک نکته می‌توان اشاره کرد که اصولاً تقطیع جمله بر اساس آهنگ آن، کار نسبتاً دشواری است و معیار چندان خوبی به‌شمار نمی‌آید. گیون، به عنوان نگرشی جانشین اعتقاد دارد که گفتمان یک نظام اطلاعاتی است که دارای یک ساختار پیوسته و سلسله‌مراتبی است. واحد این ساختار گزاره یا جمله است و گفتمان زنجیره‌ای به هم پیوسته از گزاره‌هاست. (گیون، ۱۹۸۴: ۲۳۹)

شرط پیوستگی و تداوم یک متن و نیز اطلاع دهنده بودن و جذابیت آن این است که از لحاظ اطلاعاتی، آمیخته از دو نوع اطلاع کهنه و نو باشد. (همان: ۲۴۰)

^۱ - new information

^۲ - old information

در چارچوب گیون، اطلاع کهنه و نو مفاهیم مطلقی نیستند بلکه انواع و درجاتی دارند به هر حال، ساختار اطلاعاتی جمله، هرچه باشد طبق اصل «یک بخش اطلاع نو در هر جمله» نمی‌تواند بیش از یک اطلاع نو داشته باشد. در این حال اطلاعات کهنه موجود در جمله در حکم پایگاهی برای درک و ذخیره‌ی اطلاع نو به‌شمار می‌آیند. (همان: ۷۱۲)

به هر حال، در چارچوب گیون، اگرچه ساختار اطلاعاتی جمله بازتاب ارزیابی گوینده از دانش شنونده است، ولی در نهایت گوینده ارزیابی خود را به کمک ابزارهای زبانی در قالب گفتمان منعکس می‌کند. (همان: ۲۵۱)

در نقد این نگرش باید بگوییم که اگرچه تحلیل گیون از ساختار اطلاعاتی، تحلیل واقع‌بینانه و عملی است، ولی نیاز به طرحی مکمل دارد تا بتواند طیفی بودن مفهوم اطلاعات را بهتر بفهماند.

بر این اساس به طبقه‌بندی‌های اطلاعاتی پرینس رجوع می‌کنیم که ماهیت و شأن اطلاعاتی عناصر سازنده‌ی جمله را بر اساس آشنایی فرض گوینده و برحسب دو معیار شنونده و گفتمان تحلیل می‌کند.

به اعتقاد پرینس (۱۹۹۲)، کهنه یا نو بودن هر اطلاعی، برحسب دو عامل، یعنی شنونده و گفتمان، تعیین می‌گردد. پرینس طرح اخیر خود را بر این واقعیت استوار کرده است که اطلاعی که برای اولین بار در جریان کلام مطرح می‌شود و مثلاً به لحاظ متن جدید است، الزاماً برای شنونده، جدید فرض نمی‌شود. از سوی دیگر، اگر مطلبی قبلاً در متن ذکر شده باشد و به لحاظ کلام، کهنه باشد قاعدتاً برای شنونده نیز اطلاع کهنه تلقی خواهد شد.

پرینس، طبقه‌بندی مقدماتی خود را در سال ۱۹۹۲ در قالب طرح جدیدی و با استفاده از همان تقطیع دوگانه اطلاع کهنه و نو و برحسب دو معیار شنونده و کلام تعدیل داده است. او در این طرح، به لحاظ نظری اطلاعات را بر چهار نوع دانسته است که معتقد است از بین آن‌ها، عملاً در تجزیه و تحلیل متن، سه نوع اطلاع دست‌مایه کار قرار می‌گیرد (بیرنر، ۱۹۹۴: ۲۴۲)

(۱) اطلاعی که هم از نظر شنونده و هم به لحاظ کلام، کهنه است^۱؛ این همان اطلاعی است که قبلا در متن یا در بافت موقعیتی کلام ذکر شده و موجود است و اطلاعی برانگیخته به‌شمار می‌آید.

(۲) اطلاعی که از نظر شنونده، کهنه و به لحاظ کلام، نو است^۲؛ منظور پیرینس از این نوع اطلاع، آن چیزی است که در متن یک کلام از آن یاد نشده است، ولی گوینده باور دارد که جزو پیش‌انگاره‌های شنونده است، و بنابراین شنونده بر آن واقف است.

(۳) اطلاعی که هم از نظر شنونده و هم به لحاظ کلام نو است^۳؛ از این اطلاع هم در متن کلام، نشانی نیست و هم به زعم گوینده، پیش‌ذهنی در شنونده وجود ندارد.

(۴) اطلاعی که از نظر شنونده نو و به لحاظ کلام کهنه است^۴؛ این نوع اطلاع آن است که در جریان کلام از آن سخن به میان آمده باشد و به اصطلاح، اطلاعی برانگیخته باشد، ولی گوینده فرض را بر آن گذارد که آن اطلاع برای شنونده ناآشنا و نو است.

۳- زبان‌شناسی نقش‌گرا و نگاه آن به فرایندهای وارونگی و مبتداسازی

۳-۱- وارونگی

در زبان انگلیسی وارونگی هر جمله‌ای را شامل می‌شود که در آن فاعل منطقی در جایگاه پس از فعل بیاید، در حالیکه سایر اجزا پس‌فاعلی در ابتدای جمله ظاهر شود. به نمونه‌های ذیل توجه کنید:

- 1- On the counter are loaves whole wheat, cinnamon raisin, rye, soy, sunflower, corn meal [Terkel 1974]
- 2- At 3: 30 P.M Monday, at a pizzeria, up walked a 17- year – old youth with a set of keys. [Chicago Tribune, 7. 13. 89]

1 - Hearer-old, Discourse-old
 2 - Hearer-old, Discourse- new
 3 - Hearer-new, Discourse-new
 4 - Hearer-new, Discourse- old

بیرنر (۱۹۹۴) کاربرد صحیح وارونگی را وابسته به «آشنا بودگی - گفتمانی» دانسته است (بیرنر و ماهوتیان، ۱۹۹۶).

ماهوتیان و بیرنر (۱۹۹۶) در مقاله «محدودیت‌های نقشی وارونگی در انگلیسی و فارسی» با الهام از بیرنر (۱۹۹۴) به تبیین نقشی این فرایند می‌پردازند و در نهایت اینگونه نتیجه می‌گیرند که در این فرایند عنصری که باید در جایگاه پس از فعل قرار گیرد حرکت کرده و پیش از فعل قرار می‌گیرد و عنصری که جایگاه آن، پیش از فعل است به جایگاهی پس از آن منتقل می‌شود. آنها قصد دارند، نشان دهند که اگرچه ساختار چینش کلمات در دو زبان انگلیسی و فارسی متفاوت است اما محدودیت‌های کاربردی گفتمانی که بر ساخت وارونگی در فارسی اعمال می‌شود، همانند محدودیت‌هایی است که در انگلیسی اعمال می‌شود. بر طبق نظر بیرنر همیشه عنصر پیشایند شده، اطلاعات گفتمانی کهنه‌تری را نسبت به عنصر پسایند شده، ارائه می‌دهد و عنصری که در گفتمان جدید است، پسایند می‌شود. نمونه‌ای از این فرایند در انگلیسی آمده است.

(3) We have complimentary soft drink, coffee, sanka, tea and milk. Also complimentary is red and white wine.

بیرنر (۱۹۹۴) نشان داد که فرایند وارونگی، حاصل محدودیت‌های گفتمانی است که در ارائه اطلاعات وجود دارد. بطور خاص عنصر پس‌آیند شده، نمی‌تواند اطلاع آشناتری نسبت به عنصر پیش‌آیند شده ارائه دهد. در بررسی آن‌ها بیش از $\frac{3}{4}$ (۷۸٪) مورد‌های مورد مطالعه، عنصر پیش‌آیند شده حاوی اطلاع کهنه از نظر گفتمانی می‌باشد در حالی که عنصر پسایند شده از نظر گفتمانی حاوی اطلاع نو است.

(4) They have a great big tank in the kitchen, and in the tank are sitting all of these pots.

در این مثال (4) عنصر پیش‌آیند شده tank حاوی اطلاع کهنه است اما all of these pots باز نمود اطلاع نو می‌باشد.

(5) Each of the characters is the centerpiece of a book, doll, and clothing collection.

The story of each character is told in a series of six silm books. [...] #
complementing
the relatively affordable dolls are the books, on for each heroine ...

آن‌ها جمله (۵) را به این علت نادرست می‌دانند که عنصر پیش‌آیند شده اطلاع‌آشناتری را نسبت به عنصر پس‌آیند شده ارائه می‌دهند.

بیرنر (۱۹۹۴) همچنین به این نکته اشاره می‌کند که اطلاعاتی که در گفتمان قابل ارجاع هستند نیز از نظر گفتمانی کهنه محسوب می‌شوند.

(6) She is a nice woman, isn't she? Also a nice woman is our next guest ...

در این مثال «next guest» که قابل ارجاع است بعد از «nice woman» که از نظر گفتمانی کهنه محسوب می‌شود آمده است. در وارونگی، ما با پیوستاری از اطلاع کهنه و آشنا روبه‌رو هستیم و ارتباط بین آن‌ها، به میزان کهنگی یا آشنایی اطلاع بستگی دارد. بیرنر و وارد، سپس به بررسی وارونگی در فارسی پرداخته و به مقاله بیرنر و ماهوتیان (۱۹۹۵) ارجاع می‌دهند. بر اساس نظر آنها محدودیت‌های نقشی اعمال شده بر وارونگی، همانند محدودیت‌های نقشی است که در فرایند وارونگی در انگلیسی اعمال می‌شود. آنها فارسی را فعل پایانی دانسته و صورت بی‌نشان آن را بصورت SXV نمایش می‌دهند.

(7) Pir- e maerd doxtar-o komak kard

Old-EZ man girl- def help did

□The old man helped the girl□

(8) deraxt -e chenar-e kohan-i yek taraf-e meydan bud

Tree-EZ sycamore-EZ old - def one side-EZ square was

□An old sycamore tree was on one side of the square.□

(9) Donya-I Ru-ye har qali hast

World - indef on- EZ every carpet is

□There is a world in every carpet.□

آن‌ها به این بحث می‌پردازند که اگرچه ترتیب خطی این جملات شبیه مبتداسازی انگلیسی است به شکل (pp-s-v)، ولی بیرنر و ماهوتیان (۱۹۹۵) محدودیت‌ها نقشی را با مبتداسازی متفاوت می‌دانند. وارد (۱۹۸۸) نشان داد که سازه پیش‌آیند شده در مبتداسازی باید رابطه برجسته‌ای با گفتمان داشته باشد ولی چینش OSV در فارسی از این محدودیت پیروی نمی‌کند.

(10) Dar yeki az rustaha-ye Kerman chupan-i zendegi mikard

In one from villages- EZ Kerman shepherd-indef life did
 □ In one of the village of kerman lived a shepherd □

آن‌ها این مثال را اینگونه استدلال می‌کنند که نه کرمان و نه روستا در ارتباط با گفتمان قبلی نیستند و تمام اطلاعاتی که در این جمله آمده است نو محسوب می‌شود. پس این جمله از محدودیت‌های حاکم بر وارونگی در انگلیسی پیروی کرده و فاعل اطلاع آشناتری نسبت به گروه اضافه پیش‌آیند شده ارائه نمی‌دهد.

هورن (۱۹۸۶) اشاره کرده است که در حرکت به سمت راست، تنها اطلاعات ناآشنا، پسایند می‌شوند البته این ویژگی با راست‌نشانی^۱ مشترک نیست.

(11) We have complimentary soft drinkd, coffee, sanka, tea, and milk.
 Also complimentary is red and white wine. We have cocktail available for \$2. 00.

در مثال (۱۱) «complimentary» از نظر گفتمانی، اطلاع کهنه‌تری نسبت به، «red and white wine» که از نظر گفتمانی، نو محسوب می‌شوند است.

۳-۲- مبتداسازی

دبیر مقدم مبتداسازی را در زبان فارسی، فرایندی می‌داند که طی آن عنصری، از جایگاه اولیه خود به آغاز آن حرکت داده می‌شود و در جایگاه اولیه آن عنصر، ضمیری هم‌مرجع با آن قرار می‌گیرد. (دبیر مقدم، ۱۳۶۹: ۴۰) این فرایند همان چیزی است که در زبان انگلیسی left dislocation خوانده می‌شود به جز این، فرایند دیگری نیز در زبان انگلیسی هست که عنصری را به ابتدای جمله حرکت می‌دهد ولی از خود ضمیری به‌جا نمی‌گذارد. این فرایند topicalization (مبتداسازی) نام دارد.^۲

1- right- dislocation

۲- با توجه به این که زبان انگلیسی از دسته زبان‌های غیر استنساخی (chopping language) است، می‌توان گفت که این فرایند (topicalization) به لحاظ صوری و ساختاری، نمونه‌اعلای فرایند مبتداسازی در زبان انگلیسی است. در حالی که در فارسی که زبانی استنساخی (copping language) است. نمونه‌اعلای مبتداسازی در آن به لحاظ ساختاری، معادل فرایندی است که در زبان انگلیسی left dislocation خوانده می‌شود.

به نظر دبیرمقدم، اگر بخواهیم بین این دو در زبان فارسی تمییز قائل شویم می‌توان فرایند اول را «مبتداساز ضمیرگذار» و فرایند دوم را «مبتداساز ضمیرناگذار» نامید. (دبیر مقدم، ۱۳۶۹، زیر نویس: ۴۰).

هلیدی

مایکل.ا. هلیدی^۱ با رویکردی کلامی از مبتداسازی^۲ به عنوان یکی از مکانیزم‌های ایجاد مبتدای نشان‌دار^۳ سخن گفته است. به نظر او از آن جایی که در زبانی مانند انگلیسی تکواژ بخصوصی برای نشان دادن مبتدای جمله وجود ندارد؛ بنابراین این گوینده این زبان از جایگاه آغازین جمله برای نشان دادن مبتدای پیام خود استفاده می‌کند. در این حال این سازه به عنوان دست‌چپی‌ترین سازه جمله، صحنه‌آرا و زمینه‌ساز خبری می‌شود که از پی آن می‌آید. (پرینس، ۱۹۹۸: ۲۸۳).

بنابه تعریف دی سوارت و هوپ (۱۹۹۵) مبتدا، اطلاع کهنه در جمله می‌باشد. به عبارتی، مبتدا، اطلاع مشترک میان پرسش و پاسخ است. مبتدا، در برابر مفهوم خبر، مطرح می‌شود. بنابه تعریف مبتدا، اطلاعی کهنه در جمله است که بقیه جمله در مورد این اطلاع، خبری را مطرح می‌سازند. آنچه در مورد مبتدا، مهم است این است که مبتدا بنابه محل سازه در جمله، تعریف می‌شود و در واقع، اولین سازه جمله است، و جمله، در مورد مبتدا بحث می‌کند (کیس ۱۹۹۸، ولدووی ۱۹۹۳، سکرینا ۱۹۹۷).

۴- تحلیل داده‌ها

۴-۱- وارونگی و مبتداسازی در کردی

برای گزینش نمونه‌ها، یک معیار مورد استفاده قرار گرفته است، و آن در نظر گرفتن آرایش بی‌نشان جمله در زبان کردی، جمله‌هایی به عنوان داده یا نمونه، در پیکره زبانی ثبت

¹ - M.A. Halliday

² - Topicalization

³ - marked theme

شده‌اند که در آنها عنصری از جایگاه بی‌نشان خود، به ابتدا یا انتهای جمله منتقل شده است. این شیوه، هم در مورد جمله‌های ساده و هم در جمله‌های مرکب به کار رفته است. نمونه‌ها برحسب فرایندهای مبتداسازی و وارونگی به دو گروه کلی تقسیم شده‌اند. اگرچه، بر اثر هر دو فرایند، آرایش بی‌نشان جمله دگرگون می‌شود ولی، دست‌کم به لحاظ ساختاری، تفاوت‌هایی میان این دو فرایند وجود دارد که این دو را از همدیگر متمایز می‌سازد.

۴-۱-۱- وارونگی در کردی

نمونه (۱۲) منبع: گفتار طبیعی

idara-kâ-yân la lâyân tâlâr-i wahdat bu, ba nemâi xišti suri kon?

قدیمی قرمز آجر نمای با بود وحدت تالار کنار اداره آن‌ها

danewân xišta-kân dâ, yek dar miyân rangi spi # ledrâbu .

زده شده بود سفید رنگ یک درمیان آجرها درمیان

ترجمه: اداره آن‌ها کنار تالار وحدت بود با نمای آجر قرمز قدیمی، در میان آجرها یک در میان رنگ سفید زده شده بود.

تحلیل: وضعیت اطلاعاتی ساز و پیشایندشده danewân xišta-kân dâ, yek dar

miyân در میان آجرها یک در میان)، (شنونده - کهنه، گفتمان - کهنه) است.

نمونه (۱۳) منبع: گفتار طبیعی

kâtek ka garâmawa mâle dâikim çâvi le nakirdim . tanyâ kuti dasto dim u çâwim bšom ,

بشویم صورتم و دست گفت فقط نگاهم نکرد مادرم خانه برگشتم به وقتی

šâm bxom u bromu bnum . la new taxti dâ danga dangi hâlem # goi le dabu

می‌شنیدم حال را سروصدای تخت و خواب توی بخوابم بروم و بخورم شام

ترجمه: وقتی به خانه که برگشتم مادرم نگاهم نکرد، فقط گفت دست و صورتم را بشویم، شام بخورم و بروم بخوابم. از توی تخت سروصدای هال را می شنیدم.
تحلیل: سازه مقلوب (la new taxti dâ توی تخت و خواب) قابل برانگیختن از متن است و وضعیت اطلاعی آن (شنونده - کهنه، گفتمان - کهنه) است.

نمونه (۱۴)

?ârinâ hâta žure wa câwi ba wenayeki qadimi kawit .

ترجمه: آرینا اومد داخل و چشمش به عکس قدیمی افتاد.

danew wenakei dâ kureki qalsu turai la kin žneki jawân #
râwastâbu

ایستاده بود جوان زنی کنار خشمگین و عصبی پسرکی عکس توی

ترجمه: توی عکس پسرکی عصبی و خشمگین کنار زنی جوان ایستاده بود.

تحلیل: وضعیت اطلاعی گروه اضافه پیشایند شده (danew wenakei dâ - توی عکس)
(شنونده - کهنه، گفتمان - کهنه) است.

نمونه (۱۵) منبع: گفتار طبیعی

la dare tâw # lei dadân_

می تابید بر آنها خورشید در بیرون

ترجمه: تو بیرون خورشید بر آنها می تابید.

تحلیل: وضعیت اطلاعی سازه پیشایند شده (la dare - تو بیرون)، (شنونده - نو، گفتمان - نو)
است. نمونه (۱۶)

zamâni qadim lera la mâlakân dâ hamâm nabu .

نبود حمام خونه‌ها تو اینجا زمان کهن

la taništ kârwânsarâkân dâ, lanew bâzâr hamâmhâyeeki omumi # habu .

بود عمومی حمام‌های بازار داخل کاروانسراها کنار

ترجمه: زمان کهن اینجا تو خونه‌ها حمام نبود. کنار کاروانسراها داخل بازار حمام‌های عمومی بود.

تحلیل: وضعیت اطلاعی سازه پیشایند شده (la taništ kârwânsarâkân dâ, lanew -bâzâr- کنار کاروانسراها داخل بازار)، (شنونده - کهنه، گفتمان - کهنه) است.

نمونه (۱۷) منبع: گفتار طبیعی

šišakei mâšenakei xoli girtbu da mâšenakei dâ čand kur # swâr bibun

شیشه بودند سوار پسر چند ماشین تو گرفته بود خاک ماشین را شیشه

dagal ?ârinâ

آرینا همراه با

ترجمه: شیشه ماشین را خاک گرفته بود. تو ماشین چند پسر سوار شده بودند همراه با آرینا.

تحلیل: وضعیت اطلاعی سازه مقلوب (da mâšenakei dâ - تو ماشین)، (شنونده -

کهنه، گفتمان - کهنه) است.

نمونه (۱۸) منبع: گفتار طبیعی

la sar tâbloka wenei žneki # kešrâbuwa ba krâsi rašawa .

مشکی پیراهن با کشیده شده بود زنی عکس تابلو روی

ترجمه: روی تابلو عکس زنی کشیده شده بود با پیراهن مشکی.

تحلیل: وضعیت اطلاعی سازه پیشایند شده (la sar tâbloka - روی تابلو)، (شنونده -

کهنه، گفتمان - کهنه) است.

نمونه (۱۹) منبع: گفتار طبیعی

dwâi qsakâni mâmim , xâlim # newčâwâni tek nâw ?idi qsei nakird .

نزد حرفی دیگر برافروخت چهره‌اش دایی‌ام عموم حرف‌های بعد

از

ترجمه: بعد از حرف‌های عموم دایی‌ام چهره‌اش برافروخت دیگر حرفی نزد

تحلیل: عنصر پیشایند شده (dwâi qsakâni mâmim - بعد از حرف‌های عموم) به

لحاظ اطلاعی (شنونده - نو، گفتمان - نو) می‌باشد.

۴-۱-۲- مبتداسازی در کردی

نمونه (۲۰) منبع: روزنامه آشتی: سال اول، شماره ۱۰۱۲، ص ۲

(20) “ taqinawa bar dawâm-a-kân wa taqinawa dil tazena-kei ježni qurbân “

?amro penjšamma la kêtek-da ka hamu xalki šâru gund-a-kân-i kurdustân hâwre la gal musulmânâni dunyâ xariki barew birdni rewo rasma tâibat-e-kân-i ježni qurbân bun ,terrorist-âni ježni qurb-ân bun,terrorist-ân-i dil raq ,nayântwâni ba çâwi xo-yân xoš-iw šâdumani xalki bibinin , har baw bonawa,pilân-ek-i =šum-yân dârišt, wa law parei šarm-yân da katek ka jamâat-i hâzir la binkei laqi yeki,yeketi ništîmân-i kurdustân xariki gardin âzâee la yektir bun danewân-yân dâ bombek-yân toqândawa .

ترجمه

انفجارهای پی در پی و انفجار دلخراش عید قربان

امروز پنجشنبه، هنگامی که تمام مردم اهالی شهرها و روستاهای کردستان همراه با تمامی مسلمانان سراسر جهان مشغول برگزار نمودن آداب و سنن ویژه عید قربان بودند، تروریست‌های سنگ دل، توانایی دیدن شادی و خوشحالی مردم را نداشتند، به همین جهت در نهایت بی شرمی هنگامی که افراد حاضر در قرارگاه شاخه یکم حزب اتحادیه میهنی کردستان مشغول حالیت طلبیدن از همدیگر بودند در میان‌شان بمبی را منفجر نمودند.

نمونه (۲۱) روزنامه آشتی: سال اول، شماره ۱۰۱۴، ص ۲

Taqinawa-kei ?amroi binkei laqi yeki,yeketi ništîmân-i kurdustân-yân ,har kurdeki ka wuryâw ba šarafa,dazâne ka terrorist-a-kân # ba mabasti pâšakša kirdini xalki kurd la âmanja barz-akâ-nyân dâ daržândo .

ترجمه: انفجار امروز قرارگاه شاخه یکم حزب اتحادیه میهنی کردستان را، هر کردی که تیز

و با شرافت باشد، می فهمد که تروریست‌ها# با انگیزه عقب راندن مردم کرد از اهداف بلند همتشان طرح ریزی کرده اند.

تحلیل: سازه مشخص شده و پیشایند شده، قابل برانگیختن از متن است و وضعیت اطلاعی آن شنونده - کهنه، گفتمان - کهنه می‌باشد. این عنصر از جایگاه متعارف خود که به‌طور طبیعی و معمول به دنبال گروه اسمی "eterorist-a-kân" (تروریست‌ها) می‌باشد، حرکت کرده و در ابتدای جمله قرار گرفته است. از آنجا که این گروه اسمی قبلاً در کلام ذکر شده است و عنوان متن هم همین می‌باشد، پس به عبارتی دیگر، گفتمان کهنه می‌باشد. و برای مبتداسازی، می‌توان نتیجه گرفت که سازه مذکور در این جمله از حداکثر شانس مبتداسازی شدن برخوردار است.

نمونه (۲۲) منبع گفتار طبیعی

متن قبلی: ثبت نشده است.

موضوع: طرف (الف) درباره فردی صحبت می‌کند. طرف (ب) اظهار آشنایی با آن فرد می‌کند. طرف (الف) می‌پرسد که چطور با او آشنا شده است. طرف (ب) جمله خود را این‌گونه آغاز می‌کند.

(22) ? ârmân ?amn ba xuşk-akei # darsim pe dakut .

می‌دادم درس خواهرش به من آرمان

ترجمه: آرمان رو، من به خواهرش درس می‌دادم.

تحلیل: عنصر پیشایند شده یعنی «آرمان» اطلاعی آشنا برای شنونده و ذکر شده در متن است. نهاد جمله یعنی «من» نیز بر خود گوینده دلالت می‌کند و اطلاعی برانگیخته از موقعیت به‌شمار می‌آید. پس عنصر پیشایند شده (شنونده - کهنه، گفتمان - کهنه) می‌باشد.

نمونه (۲۳) منبع: گفتار طبیعی

متن قبلی: ثبت نشده است.

موضوع گفتمان: صحبت درباره یک دستگاه

(23) *dei ?alan ?avei ka dalei, či # pe dakan ?*

می‌کنن باهاش چی می‌گی که اینی الان خب

ترجمه: خب الان اینی که می‌گی، چی باهاش می‌کنن؟

تحلیل: این گروه اسمی، برای متن، اطلاعی کهنه است و برای شنونده نیز، اطلاعی آشناست؛ پس (شنونده - کهنه، گفتمان - کهنه) است. در واقع بند موصولی، در این ساخت بندی توضیحی^۱ است که برای ارائه اطلاعات اضافی در مورد هسته که از پیش شناخته شده است، به کار می‌رود و حذف آن خللی در ماهیت اطلاعاتی هسته، ایجاد نمی‌کند؛ چرا که هسته این بند، به هر حال، اطلاعی برانگیخته از متن است و بدون این بند نیز، همین ماهیت را حفظ می‌کند.

نمونه (۲۴) منبع: گفتار طبیعی

خرده کلام:

(24) a. *wara bâ broina wlâteki dika ...?erâq čona ? dei ?*

میایی چطوره عراق ... دیگه کشور-ی برویم که بیا - الف

b. *?eraqi ?min # dem .*

میام من عراق را - ب

ترجمه: الف - بیا برویم به کشور دیگه... عراق چطوره؟ میایی؟

ب - عراق را من میام.

تحلیل: در این مثال یک مکان بر اثر فرایند مبتدا ساز بر نهاد (*?min* - من) پیشی گرفته است و به لحاظ اطلاعاتی این عنصر اطلاعی برانگیخته از متن است و (شنونده - کهنه، گفتمان - کهنه) می‌باشد.

نمونه (۲۵) منبع: گفتار طبیعی

¹ - non-restrictive

بچه‌ها در خانه نشسته بودند. زنگ در به صدا درآمد.

(الف) رفت که در را باز کند تا برگشت دید که هر دو فنجان چایی را (ب) خورده است و دید که تگّه دوم کیک هم چپانده توی دهان. (الف) گفت:

(25) hamuyânit baxot # xwârd ?

خوردی خودت همه را

ترجمه: همه را خودت خوردی؟

تحلیل: عنصر پیشایند شده (hamuyânit - همه را) اطلاع برانگیخته از متن است و (شنونده - کهنه، گفتمان - کهنه) می‌باشد.

۴-۲- جمع‌بندی: ارائه آمارهای کلی

۴-۲-۱ آمار مربوط به فرایند وارونگی

در نمونه‌های مربوط به فرایند وارونگی وضعیت عناصر تحت این فرایند به لحاظ پسایندسازی و پیشایندسازی به شرح زیر می‌باشد.

جدول شماره (۱)

عنصر وارونه شده		
وضعیت سازه	تعداد	درصد
پیشایندسازی	۱۲	۱۰۰
پسایندسازی	—	—

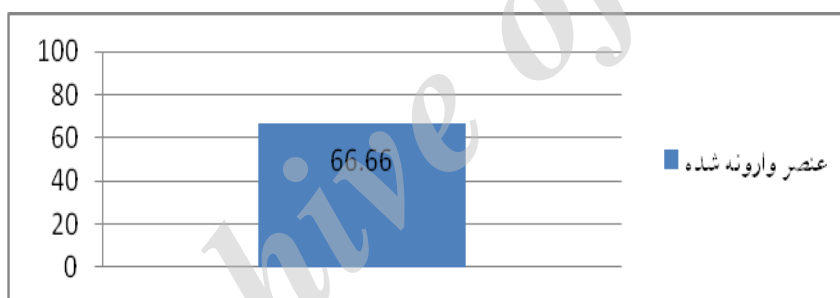
توصیف جدول: طبق این جدول در این فرایند پسایندسازی مشاهده نگردیده است.

همچنین وضعیت عنصر وارونه شده به لحاظ اطلاعاتی به قرار زیر است.

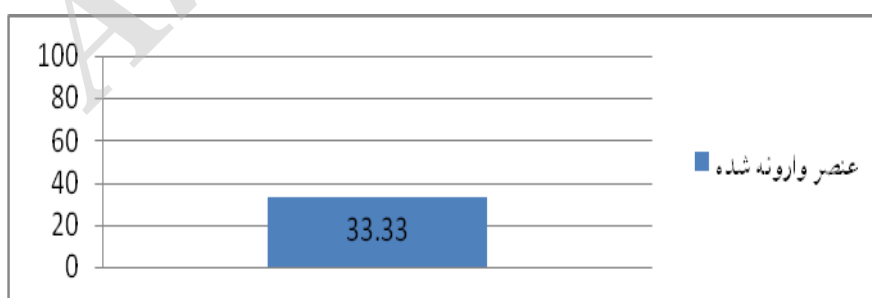
جدول شماره (۲)

عنصر وارونه شده		
وضعیت اطلاعاتی	تعداد	درصد
شنونده - کهنه، گفتمان - کهنه	۸	۶۶/۶۶
شنونده - نو، گفتمان - کهنه		
شنونده - نو، گفتمان - نو	۴	۳۳/۳۳

طبق این جدول عنصر وارونه شده در تقریباً ۶۶/۶۶ درصد موارد عنصری کهنه برای شنونده و گفتمان بر او است و در تقریباً ۳۳/۳۳ درصد موارد عنصری نو برای شنونده و گفتمان بوده است. این نتایج در نمودارهای زیر نمایش داده شده است:



نمودار (۱) بسامد رخداد اطلاع کهنه (به درصد) برحسب شنونده و گفتمان در فرایند وارونگی



نمودار (۲) بسامد رخداد اطلاع نو (به درصد) برحسب شنونده و گفتمان

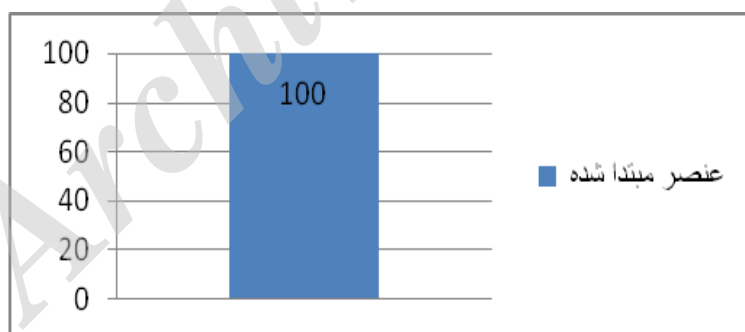
۴-۲-۲ آمار مربوط به فرایند مبتداسازی

جدول شماره (۳)

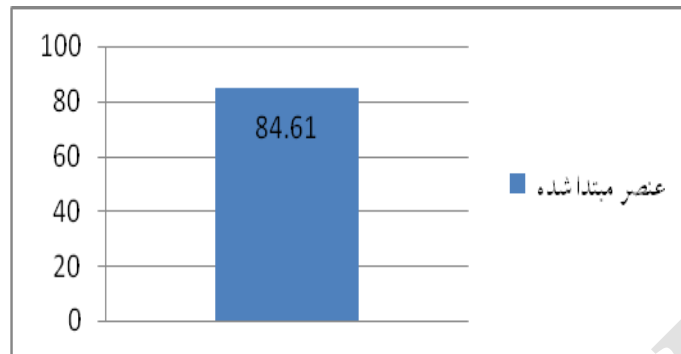
عنصر مبتدا شده		
درصد	تعداد	وضعیت اطلاعاتی
۸۴/۶۱	۱۱	شنونده - کهنه، گفتمان - کهنه
۱۵/۳۸	۲	شنونده - کهنه، گفتمان - نو
—	—	شنونده - نو، گفتمان - نو

توصیف جدول: طبق این جدول عنصر مبتدا شده به طور تقریبی در ۱۰۰٪ از موارد بکار برده شده اطلاعاتی کهنه برای شنونده بوده است.

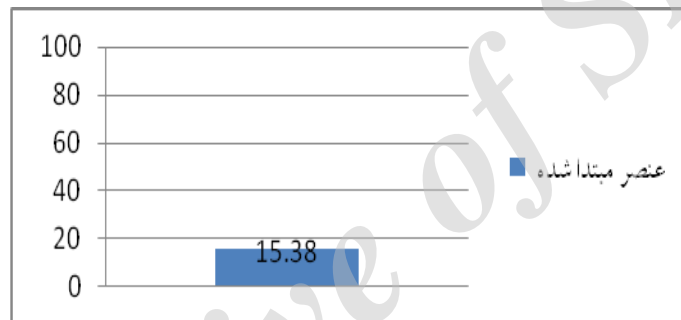
همچنین، عنصر مبتدا شده به طور تقریبی ۸۴/۶۱٪ اطلاعاتی کهنه برای متن بوده است و این عنصر تقریباً ۱۵/۳۸٪ از موارد اطلاعاتی نو در گفتمان به شمار آمده است. به نمودارهای صفحه بعد توجه کنید:



نمودار (۳) بسامد رخداد اطلاع کهنه (به درصد) برحسب شنونده در فرایند مبتداسازی



نمودار (۴) بسامد رخداد اطلاع - کهنه (به درصد) برحسب گفتمان در فرایند مبتداسازی



نمودار (۵) بسامد رخداد اطلاع نو (به درصد) برحسب گفتمان در فرایند مبتداسازی

نتیجه گیری

در این پژوهش تعداد ۶۳ پاره گفتار مورد بررسی قرار گرفت و در این نمونه ها ۱۳ مورد مربوط به فرایند مبتداسازی، بقیه موارد هم فرایند وارونگی بودند. در فرایند مبتداسازی فرایند پیشایندسازی را داشتیم و به طور تقریبی در ۱۰۰٪ از موارد بررسی شده عنصر مبتدا شده، اطلاعی کهنه برای شنونده بوده است و همچنین، عنصر مبتدا شده به طور تقریبی ۸۴/۶۱٪ اطلاعی کهنه و تقریباً ۱۵/۳۸٪ از موارد اطلاعی نو در گفتمان به شمار آمده است.

در نمونه های بررسی وارونگی، در این فرایند پسایندسازی مشاهده نگردید و طبق این بررسی عنصر وارونه شده در تقریباً ۶۶/۶۶ درصد موارد عنصری کهنه به لحاظ شنونده و گفتمان و در تقریباً ۳۳/۳۳ درصد موارد، عنصری نو برای شنونده و گفتمان بوده است. پس می توان استنباط کرد که در مبتداسازی و وارونگی، پسایندسازی کاربردی ندارد و می توان گفت که فرایند مبتداسازی، فرایندی شنونده محور است که برحسب قابلیت دسترسی یک عنصر برای شنونده انجام می گیرد؛ چراکه در این فرایند عنصری مبتدا می شود که به لحاظ اطلاعاتی برای شنونده کهنه به شمار آید، این وضعیت گواه نوعی قاعده مندی در فرایند مبتداسازی است.

بین فرایند مبتداسازی و وارونگی، تفاوتها و شباهت های کلامی را می توان جستجو کرد، در بررسی شباهت ها می توان به موارد زیر اشاره داشت:

(الف) هر دو منجر به ایجاد مبتدایی نشان دار می شوند.

(ب) به طور کلی، در هر دو، تمایلی غالب در پیشایندسازی عنصری کهنه و آشناتر برای شنونده دیده می شود.

مبتداسازی فرایندی مشروط و مقید است که برای ایجاد مبتدای نشان دار، در چهارچوب قواعد نحوی و اطلاعاتی عمل می کند. در مورد عناصر پسایند شده نمی توان بحث وارونگی و مبتداسازی را مطرح کرد. اگر عناصر پیشایند شده (شنونده - کهنه) باشد می توان ذیل مبتداسازی آن را بررسی کرد. اگر عنصر پیشایند شده (شنونده - نو) باشد در آن صورت نمی توان آن را مبتداسازی تلقی کرد و ذیل وارونگی می توان بررسی نمود. هر دو فرایند مبتداسازی و وارونگی تمایل غالب، به حرکت سازه ای دارند که وضعیت اطلاعی آن، برای شنونده و یا برای گفتمان

کهنه باشد ولی در فرایند وارونگی، برعکس مبتداسازی، هر نوع وضعیّت اطلاعی کهنه و نو می‌تواند به جایگاه آغازین جمله منتقل شود.

سوال‌های تحقیق:

- ۱- حرکت سازه‌ها و ساخت اطلاع در زبان کردی چگونه است؟
- ۲- چگونه می‌توان تفاوت وارونگی و مبتداسازی را در زبان کردی تبیین کرد؟

فرضیه‌های تحقیق:

- ۱- حرکت سازه‌ها به دلایل کلامی تمایل به جابجایی اطلاع کهنه دارد.
 - ۲- مبتداسازی و وارونگی به لحاظ توزیع اطلاع کهنه و نو متمایزند.
- در این پژوهش کوشیدیم با نگاهی نقش‌گرایانه فرایندهای وارونگی، و مبتداسازی را در کردی مورد بررسی قرار دهیم.
- به طور کلی، اگر عنصر جابجاشده، به جایگاهی پیش از جایگاه اولیّه، حرکت کرده است، پیشایند شده است و اگر به جایگاهی پس از جایگاه اولیّه، حرکت کرده باشد، پسایندشده است و با توجه به داده‌های بررسی شده، می‌توان نتیجه گرفت که ساخت اطلاع با اعمال این فرایندها تغییر می‌کند. بر طبق نمونه‌های بررسی شده در این پژوهش اینطور استنباط می‌شود که فرایند پیشایندسازی در زبان کردی ساختار اطلاعی جمله را تغییر می‌دهد.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱ - ایوبیان، عبدالله، (۱۹۲۳)، چریکه مم و زین (mam-u-zin)، کردی - فارسی، تبریز: تبریز
- ۲ - دباغی، ملاغفور، (۱۳۶۳)، دیاری مهاباد، مجموعه اشعار، مهاباد: سیدیان
- ۳ - دبیر مقدم، محمد، (۱۳۶۴)، مجهول در زبان فارسی، مجله زبانشناسی، سال ۲، شماره ۱، صص ۳۱-۶۴.
- ۴ - _____، (۱۳۶۹)، پیرامون را در زبان فارسی، مجله زبانشناسی، سال ۵، شماره ۱، صص ۲-۶۰.
- ۵ - _____، (۱۳۷۰)، فعل مرکب در زبان فارسی، مجله زبانشناسی، سال ۱۲، شماره ۱ و ۲، صص ۲-۴۶.
- ۶ - _____، (۱۳۷۸)، زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی، تهران: سخن
- ۷ - خرم دل، مصطفی، (۱۳۴۷)، صرف دستور زبان کردی سورانی، مهاباد: موقفی
- ۸ - رودنکو، م.ب، (۱۳۳۶)، افسانه‌های کردی، ترجمه کریم کشاورز، چاب سوم، تهران: آگاه
- ۹ - شهیدی، نوشین، (۱۳۷۸)، مبتداسازی در زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۰ - طیب‌زاده، امید، (۱۳۸۰)، تحلیل وابسته‌های نحوی فعل در زبان فارسی بر اساس نظریه ظرفیت واژگانی، مجله زبانشناسی، سال ۱۶، شماره ۱، صص ۴۳-۷۶.
- ۱۱ - کریمی، سیمین، (۱۳۶۴)، دگرگونی‌های نوین در دستور زایشی - گشتاری، مجله زبانشناسی، سال ۴، شماره ۱ و ۲، صص ۲-۲۵.
- ۱۲ - _____، (۱۳۷۴)، از ژرف ساخت تا ساخت منطقی و نظریه مینیايست، مجله زبانشناسی: سال ۱، شماره ۱ و ۲، صص ۴۷-۹۵.
- ۱۳ - محمودف، حسن، (۱۳۶۵)، تربیت توالی کلمات در جملات ساده دو ترکیبی فارسی، ترجمه احمد شفاهی، مجله زبانشناسی، سال ۳، شماره ۱، صص ۶۵-۵۳.

۱۴ نجفی، ابوالحسن، (۱۳۷۴)، *مبانی زبان شناسی و کاربردی آن در زبان فارسی*، تهران: انتشارات نیلوفر.

۱۵ - _____، (۱۳۷۸)، *فرهنگ فارسی عامیانه*، تهران: نیلوفر.

۱۷ - نوبهار، مهرانگیز، (۱۳۷۲)، *دستور کاربردی زبان فارسی*، تهران: رهنما.

۱۶ - _____، (۲۰۰۵)، *رویدادها*، روزنامه آشتی: سال اول، شماره ۱۰۱۴، ص ۲

۱۷ - _____، (۲۰۰۵)، *رویدادها*، روزنامه آشتی: سال اول، شماره ۱۰۱۲، ص ۲

انگلیسی

- 18- Baliyn, John.(2004).Generalized Inversion.Natural language and linguistic theory.
- 19- Birner,B.(1994).Information status and Englishinversion.Language,70,233-259
- 20- Birner,B(1995).Recency effects in English inversion.In:Centering in Discourse (E.Prince,A.Joshi,ad M.Walker,eds.).Oxford University Press.To appear.
- 21- Birner, B and S.Mahootian. 1996. Functional constructions in inversion in English and Farsi. Language Science, Vol 18,Pp: 127-136
- 22- Browning,M.and E.Karimi.1994.Scambling to object position in Persian.In N.Crover H. van Riemsdijk(eds), Studies on scrambling, Mouton de ruyter. Pp: 61-100.
- 23- De Swart. H. and H. de Hoop .1995.Topic and focus. GLOT International 1 (17):3-7.
- 24- Dabir Moghaddam,M.2001.Word order typology of Iranian languages. The Journal of Humanities, vol. 8, no.2,pp: 17-22.
- 25- Geregory,L. M. and L.A. Michaelis .in press .Topicalization and left-dislocation: a Functional opposition revisited.Journal of Pragmatics 33: 1665-1706.
- 26- Givon,Talmy.(1994).Syntax: A functional- typological introduction. 2 Vols. Amsterdam: John Benjamins publishing.
- 27- Givon, Talmy. 1976. Topic, pronoun, and grammatical agreement. In G. N. Li (ed.)Subject and Topic (151-188). New York: Academic Press.
- 28- Hook and Modi.2005.Ergative –Absolutive language.Wikipedia,the Free Encyclopedia.
- 29- Kupperelt,J. Van . (1994). Topic and Comment . In E. R. Asher (ed) Encyclopedia of language and linguistics. Vol. 9.Pergamon press.
- 30- Mahootian,S.(1993).A Null Theory of Codeswitching.dissertation,Northwestern University.

- 31- Mahootian , Shahrzad. (1997) . Persian Syntax. Routledge.
- 32- Odden,David.(2004).Ergativity and Role-Marking in Hawrami.Ohio State University.
- 33- Prince, E. F. 1981.Toward a taxonomy of given - new information.In P. Cole (ed) Radical Pragmatics. New York: Academic perss. 223-255
- 34- Prince, E. F. (1983).Topicalization, focus movement and Yeddish movement: a Pragmatic differentiation. Proceedings of the Berkeley Linguistics Society Annual Meeting,University of California al Berkeley.
- 35- Prince, E. F. (1992).The ZPG letter:subjects,deinitness,and information-status.In:Discourse Description:Diverse Linguistic Analyses of a Fund-Raising Text (W.C.Mann and S.A.Thompson,eds.),pp..295- 325.John Benjains,Philadelphia.
- 36- Prince, E. F.(1994).The notion `construction`and the syntax- discourse interface.Paper presented at the 25th Annual Meeting of the North East Linguistic Society,University of Pennsylvania.
- 37- Primus, B. 1993. Word order and information structure:A Performance- based account of topic position and focus position. In Syntax: An international handbook of contemporary research. Vol.1. Berlin: Walter de Gruyter ,Pp:880-896.
- 38- Schiffrin, Deborah.(1988).Conversation Analysis. In Fredrick j.Newmeyer (ed).

Archive SID